

متن پرسش

با عرض سلام و ادب خدمت حضرت استاد: پاسختان به طلبه‌ی عزیز ما سرشار و هم هدایت‌گر به سمت حوصله و حکمت بود و به خاطرش یک دنیا از شما ممنونم اما به نظرم جای یک مطلب در پاسخ شما خالی آمد که امیدوارم اگر اشتباه می‌کنم بنده را متذکر سازید و آن مطلب اینکه اگر چه حوزه بنا بر مهیاسازی طلاب برای رجوع به منابع دینی دارد اما آنچه معمولاً باعث دلزدگی و گاهی عصبانیت و در نتیجه عجله‌ی طلاب انقلابی می‌شود خروجی‌های نه‌چندان منطبق بر گفتمان انقلاب اسلامی‌اند. گاهی برخی مراجع و علما اگر چه برای ما قابل‌اکرام و احترام و از نظر علوم حوزوی پر تلاش و عالم هستند اما آن‌چنان که مورد انتظار است از آنها انقلاب اسلامی ساطع نمی‌شود. منبری در تراز انقلاب از آنها دیده نمی‌شود درس‌خارجشان مناسب با دویست سال پیش است نگاهشان به هنر و اقتصاد و کلا جامعه یک نگاه تمدن‌ساز نیست یک نگاهی است که می‌تواند در کنار غرب به حیات خود ادامه دهد در حالی که ما می‌دانیم اگر اندیشه‌ای برگرفته از اسلام باشد هرگز با باطل قابل جمع نیست یا باطل را نابود می‌کند یا باطل در صدد نابودی آن است. نکته مهم‌تر اینکه اگرچه نسل آینده‌ی حوزه بسیار امیدوارکننده و از جنس اندیشه‌ی انقلاب است اما بعضاً کسانی که حوزه، آنان را بزرگان می‌نامد در دستگاه انقلاب یک انسان محترم و عزیز ولی معمولی‌اند. این‌گاهی تازه‌های حوزه را دلخور می‌کند. چنانکه در زمان جنگ بعضی افراد در شهر در حال گذراندن دوره‌های نظامی بودند و آنچه در این آموزش‌ها به آنان حرارت می‌بخشید حضور سرداران و فرماندهان در خط مقدم جنگ و گاه تشییع پیکرهای آنان و دیگر عزیزان بر دستان همین افراد و بر دستان امت بود. اما عالمی که موضعش در فتنه ۸۸ مبهم و گاه ساده‌لوحانه است نمی‌تواند به طلبه‌ی تازه‌وارد و انقلابی انرژی بدهد. یا آن خطیب مشهوری که در زمانی که پیچیده‌ترین نقشه‌ها برای نفوذ در خبرگان در حال طراحی است در جمعیت هزاران نفری اخلاق فردی می‌گوید اگر چه این بحث مفید و ارزنده و این خطیب مورد احترام و بزرگواری است اما نمی‌تواند قلب تازه‌های حوزه را پر حرارت و پر انرژی کند اگر اشتباه می‌کنم اصلاح بفرمایید و اگر درست می‌گویم چرا نقد جدی‌ای از حضرت عالی به علمایی که البته برای ما عزیز و مورد اکرام و اعظام و احترام‌اند و یا یک مناظره در فضای آزاد اندیشی که نشان از روحیه‌ی تحمل و حق‌طلبی است بین شما و آن عزیزان نمی‌بینیم؟ و یا چرا در این سوال اشاره‌ای به آن به عنوان یک آفت و یک عامل یاس‌نبود؟ شاید لازم باشد بگویم بنده حوزوی و چند سال است درس خارج خوان هستم. عذرخواهی از طولانی شدن نوشتارم. یا علی

باسمه تعالی: سلام علیکم: شما به هیچ وجه اشتباه نمی‌کنید که چنین انتظاری از حوزه‌ی علمیه دارید. عرض بنده آن است که اولاً: متوجه شویم در چه جایگاهی از تاریخ خود قرار داریم؟ ثانیاً: مراجع عظام را در چه جایگاهی از تاریخ اسلام بنگریم؟ شما بنا دارید از سرمایه‌های اساسی حوزه استفاده کنید و در تاریخی وارد شوید که از یک طرف انقلاب اسلامی به طور کاملاً شفاف و زلال متذکر حیات قدسی بشر است و از طرف دیگر نظام استکباری همه‌ی پرده‌های تزویر خود را کنار زده و با خط قدسی انقلاب اسلامی به مقابله پرداخته. در حالی که بسیاری از مراجع عظام آن زمان که در سنّ و موقعیت تحصیلی شما بودند و سلوک حوزوی خود را جهت حفظ اسلام انتخاب کردند و خواستند شخصیت خود را بر اساس آن تاریخ شکل دهند؛ انگیزه‌شان آن بود که اصل اسلام را در مقابل فرهنگ سکولارزده‌ی رضاخانی حفظ کنند تا اسلام از دست نرود. وقتی عمامه‌ها را از سر برمی‌داشتند و روحانیت به شدت تحقیر می‌شد، همین بزرگان حوزه بودند که مقاومت لازم را از خود نشان دادند و حال در ادامه‌ی آن شخصیت، اسلام را در فقه و فقاہت مدد می‌رسانند. آیا بیش از این از آن‌ها می‌توان انتظار داشت؟! و بدین لحاظ است که بنده در درون خود انتقادی نسبت به آن بزرگان ندارم که البته در این مورد حرف و سخن بسیار است. ولی آنچه برای تازه‌های حوزه‌های علمیه مهم است؛ درک درست شرایط تاریخی است که شما در آن قرار دارید و این که امروز طلبه‌ی انقلاب اسلامی به وسعت همه‌ی عالم، وسعت یافته و باید از زیرساخت‌های تاریخ گذشته‌ی حوزه به بهترین نحو استفاده کنیم ولی در آن پازل، خود را محدود نماییم. در پازلی که تلاش می‌شد رضاخان و دستیاران او □ مثل محمدعلی فروغی‌ها - با روحیه‌ی سکولاریته، دین را از ما بربایند. باید به شرایطی که از طریق انقلاب اسلامی به وجود آمده است و در عین حال، به ظاهر دیده نمی‌شود؛ نظر کرد. کوشش بنده برای نشان دادن آن شرایط است. ما در این شرایط، خودمان خودمان هستیم و در شرایط دیگر این «ما» ما نیستیم. هر متفکری وقتی می‌خواهد متعهدانه در تاریخ خود جلو رود با مشکلات خاص خود روبه‌رو می‌شود. مهم آن است که رسالت تحقق تفکری که در این دوران باید به صحنه آید را از دست ندهیم. چرا طلاب عزیز متوجه‌ی چنین حضوری در این تاریخ نیستند تا امیدوارانه، خود را بر اساس نقطه‌های هدف مجهز کنند؟ و چرا متوجه‌ی جایگاه افراد نمی‌باشند تا در دوره‌ی فترتی که در آن قرار داریم، تحمل فشاری که به طور طبیعی در این دوره بر دوش طلاب قرار دارد را، تحمل کنیم؟ موفق باشید